

سیل بنیان کن

"آگاهی مردمی" در برابر جنگ طلبان و انتخاباتی فرمایشی بهروزبکناشی

پایه و اساس تکامل، تضاد است. تضاد به اشکال متفاوت خود را نشان میدهد. هر پدیده ای برای موجودیت خویش دارای دلیل یا دلایلی است که برای پی بردن به محرک یا محرک ها بایستی این پدیده ها را نه تنها در حرکت دائمی، بلکه در ارتباط متقابل دید. انقضای خود بخودی انواعی از گیاهان، حیوانات و پرندگان را علیرغم تلاش برای بقا را بایستی تکامل خواند. اما در جامعه انسانی از آنجائی که بشر بخش آگاه و با شعور طبیعت است، مسئله قدری متفاوت است. روند تکامل می تواند کند یا تند شود. در حال حاضر این تکامل و دگرگونی در جامعه بشری توسط نبرد بین طبقات متخاصم تعیین می گردد. پیروزی یا شکست یا دائمی این نبرد بستگی به غلبه یکی بر دیگری دارد و هر پیروزی یا شکست دلیل یا دلایلی برای خود.

هدف از این مقدمه کوتاه، چگونگی درک حوادث کنونی کشور است. قبل از پرداختن به این موضوع بایستی در پی دانستن دلیل یا دلایل این یا آن پدیده بود. بعنوان مثال، دلیل تشکیل شورای ملی صلح را باید در خطر جنگی دید که تدارک دیده می شود. اما چند روز از تاسیس شورای ملی صلح نگذشته ما شاهد و ناظر گزارش سازمان سازمان های اطلاعاتی امریکا در رابطه با توقف فعالیت های اتمی ایران بودیم. بسیاری پس از این گزارش نسبت به خطر جنگ در تردید فرو رفتند. در اینجا ما نه تنها با دو عمل متضاد یعنی وجود شورای برای دفاع از کشور و گزارش سازمان مورد بحث برای خنثی سازی تحرک این شورا مواجه هستیم، بلکه بایستی این دو را در پیوند و ارتباط یکدیگر ببینیم. نمونه دیگر صحنه انتخاباتی است که شاهد آن هستیم. در این زمینه نیز بهتر است باز گردیم به ماتریالیسم دیالکتیک و قانون تضاد و پیوند.

شماری از سیاسیون و مبارزان سیاسی که انتخابات آزاد و حتی نظارت بین المللی را مطرح می کنند، بد نیست به نکات و تجربیاتی که بر می شمارم توجه کنند. انتخابات پارلمانی روسیه در ۲ دسامبر ۲۰۰۷ انجام شد. ۲۳ ناظر بین المللی نامه ای به کمیته مرکزی انتخابات در روسیه فرستاده و انتخابات را غیر دموکراتیک و بر عدم انطباق آن با استانداردهای بین المللی انگشت نهادند.

یوهانس لایتنبرگ نماینده رسمی قدرت اجرائی اروپای متحده و ناظر انتخابات طی مصاحبه ای گفت: همه می دانند که ناظران تخلفات را محکوم کرده اند. بنفع دموکراسی روسیه و بنفع روسیه قدرتمند است که به تخلفات انتخاباتی رسیدگی شود.

کریستیان کلیا نمینگر نماینده بوندستاگ و ناظر در انتخابات در روزنامه آلمانی "زود دوچه تسا نتونگ" انتخابات را ناعادلانه و غیر دموکراتیک خواند.

آندره آس گروس مشاور ملی و ناظر در انتخابات، در روزنامه سوئدی (ل تمپس) انتخابات را نابرابر خواند و افزود: خشونت بر علیه جامعه شهروندی و اپوزیسیون بکار گرفته شد. دیتلر بودن رئیس کمیسیون سازمان امنیت و همکاری در اروپا که ناظر انتخابات ریاست

جمهوری در گرجستان بود طی مصاحبه ای با روزنامه آلمانی فرانکفورت راند شائو در باره تقلبات آشکار سخن گفت و انتخابات را نابرابر و غیر دموکراتیک خواند.

نکته قابل توجه آنست که سطح آزادی های سیاسی و اجتماعی دو کشور روسیه و گرجستان با ایران قابل مقایسه نیست. در روسیه کمونیستها برای بیان نظرات خود بطور آزادانه از روزنامه ها و نشریات حزبی، کم و بیش از امکانات رادیو و تلویزیون برخوردارند و در پارلمان نمایندگانی دارند. با این وجود تخلفات فاحشی در انتخابات اخیر صورت گرفت. این سطح گسترده از تقلب های انتخاباتی برای جلوگیری از جلوه آشکار خواست مردم برای تحولات اساسی در جامعه و بازگشت و رویکرد به حزب کمونیست تجدید سازمان یافته روسیه قدرتی بود. بنابراین تقلب برای جلوگیری از تحولات به سود مردم بود. من بر این باورم که تمام مقاومتی که در ایران و در برابر یک انتخابات آزاد می شود و یا سرکوبی که از نیروهای دکراندیش و تحول خواه می شود، با همان هدفی صورت می گیرد که در روسیه صورت گرفت.

حال ببینیم، حزب کمونیست روسیه، برخوردار از سنت های پر قدرت انقلابی چه روشی را در برابر این تقلب ها اتخاذ کرد. آیا تن به تحریم دادند و منفعل شدند؟ آیا انتخابات آینده ریاست جمهوری روسیه را هم که از هم اکنون مشخص است می خواهند بزرگترین تقلب حکومتی را در آن انجام دهند به حال خود رها کردند؟

تمام بیانیه ها و سخنرانی ها و اعلام برنامه های حزب کمونیست روسیه خلاف این مسیر است. یعنی در عین افشای تقلبی که در انتخابات اخیر پارلمانی در روسیه می کنند، با توانی بیش از این، خود را برای کارزار سخت تر انتخابات ریاست جمهوری آماده می کنند. چنین می کنند، زیرا می دانند گام به گام با آگاهی مردم باید پیش بروند و به مردم در صحنه عملی زندگی نشان بدهند چه می گذرد و چه باید بکنند! این همان درسی است که از انقلاب ۱۹۰۵ تاکنون تمرین می شود. بجای درخواست از ناظران بین المللی که دیدیم در روسیه نتوانستند و یا نخواستند و یا نگذاشتند کاری از پیش ببرند و تنها حرف هائی در اعتراض زدند که بادی بود در فضای روسیه، آنها در جبهه مردم و با شلیک خمپاره آگاهی حرکت می کنند.

این همان درسی است که ما نیز باید برای کشور خودمان بگیریم. این که در این مرحله و یا آن مرحله، شورای نگهبان چه می کند و یا چه نمی کند، مهم هست ولی نه آنقدر که در مقایسه با فشار اجتماعی و یا بقول معروف شده "فشار از پائین" قابل اهمیت باشد. سیل این آگاهی است که می تواند شورای نگهبان و هر تشکل و سازمان دیگر حکومتی را که در برابر یک انتخابات به حق برای تحولات ایستادگی می کند از جا بکند. همانگونه که در روسیه این سیل می تواند کرملین را در روسیه محاصره کند.

آیا دو موضوعی که مطرح کردم با یکدیگر بی ارتباط اند؟ یعنی تشکیل شورای ملی صلح که ظاهرا از نفس افتاده، با انتخابات بسته و تقلب های قابل پیش بینی در آن ها ارتباط ندارند؟

پاسخ من بموجب همان اصول مارکسیستی که در ابتدا نوشتم منفی است. یعنی مبتکران شورای ملی صلح نیز اگر عمیقا بدانند خطر چقدر جدی است و بی اعتناء مائورهای سیاسی جاری به ایران نزدیک می شود و دو طیف داخلی و خارجی آتش بیار این فاجعه اند، بجای آنکه از نفس بیفتند راهکارهائی مناسب شرایط روز پیدا کرده و به مبارزه خود در راه صلح و تغییر شرایط جنگی در کشور پیش می روند. یعنی بجای باز کردن حساب سیاسی و تبلیغاتی، روی آگاهی مردم برای فشار به حکومت برای تن دادن به تحولات و تغییر سیاست هائی که جنگ را به کشور نزدیک کرده حساب باز می کنند. همانگونه که برای یک انتخابات سالم و تغییر توازن نیروها برای رسیدن به آن، پیش از آنکه به بگومگوهای حکومتی و پیرامون حکومتی توجه کنند به اصل بی خدشه "بیداری مردم" مراجعه می کنند، با این "کیش" می توان هر نیروئی را که در مقابل تحولات و انتخابات در جمهوری اسلامی ایستاده "مات" کرد. همانگونه که می توان جنگ طلبان داخلی و خارجی را "مات" کرد. این

انتخابات نشد، انتخابات بعدی، انتخابات بعدی نشد، مجلس نشد، ریاست جمهوری... مهم آگاهی مردم است. چه کسی تضمین داده که همین فشار اجتماعی بسیار زودتر از رسیدن مجلس آینده به پایان عمر طبیعی خود، انتخابات دیگری را برای تحولات به حکومت- حتی همین حکومت کنونی- نمی تواند تحمیل کند؟ شاید برای آنچه که باید گفت، نتوانستم آنگونه که ضرورت دارد کلام و استدلال را پخته کنم، اما تصور می کنم فکر و اندیشه توده ای خود را توانستم در میان بگذارم.

راه توده ۱۶۴ ۲۸,۰۱,۲۰۰۸